



سال سیزدهم - شماره‌ی چهل و هشتم - پاییز ۱۴۰۲

صص ۱۱۱-۱۴۱

تحلیل تولید فضاهای شهری از منظر امر سیاسی با رویکرد نظریه شبکه کنشگر (نمونه مطالعاتی اراضی عباس‌آباد تهران)

نیر فارابی اصل^۱، مجتبی رفیعیان^۲، بهرام علیزاده^۳

چکیده

تولید فضای شهری، یک مسئله پیچیده و چندبعدی است که در آن فضا به‌عنوان یک محصول اجتماعی و یک عامل سیاسی به‌حساب می‌آید. در این پژوهش، با استفاده از نظریه کنشگر-شبکه (ANT) که یک رویکرد جامعه‌شناختی برای تحلیل روابط میان کنشگران انسانی و غیرانسانی است، رابطه بین فضا و قدرت در شهر مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تحلیل شبکه‌های قدرتی (کنشگران) که در تولید فضاهای شهری نقش دارند، است. روش پژوهش، مطالعه موردی است و مورد مطالعاتی آن، اراضی عباس‌آباد تهران است که یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های توسعه شهری در ایران به‌شمار می‌آید. داده‌های پژوهش از طریق روش‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهده میدانی جمع‌آوری شده و با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در اراضی عباس‌آباد، دولت و سازمان‌های وابسته به آن، با استفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی خود، شبکه‌های قدرت را تشکیل داده و سایر کنشگران را از مشارکت در تولید فضا محروم کرده‌اند. همچنین مشخص شده است که شبکه کنشگران و قدرت در این منطقه، به‌هیچ‌وجه متناسب با نیازها و خواسته‌های

۱- دانش‌آموخته دکتری گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

n.farabiasl@gmail.com

rafiei_m@modares.ac.ir

۲- استاد گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- استادیار گروه برنامه‌ریزی و توسعه شهری، جهاد دانشگاهی البرز، البرز، ایران

b.alizadeh2010@gmail.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۶/۲۵

تاریخ وصول ۱۴۰۲/۳/۲۹

شهروندان نبوده و حتی نقش متخصصان و بخش خصوصی در تولید فضا نیز تحت تأثیر امر سیاسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تولید فضا، روابط قدرت، شبکه کنشگران، اراضی عباس‌آباد، تهران.

مقدمه

شهرنشینی سریع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، چالش‌های متعددی را برای مدیریت و برنامه‌ریزی شهرها ایجاد کرده است. این چالش‌ها را می‌توان به دو دسته محتوایی و رویه‌ای تقسیم کرد. چالش‌های محتوایی مربوط به مسائل و مشکلاتی هستند که در فضای شهری پدیدار می‌شوند، مانند گسترش بخش غیررسمی شهر، کاهش کیفیت خدمات شهری و بهداشت، فقر و نابرابری اجتماعی و غیره. چالش‌های رویه‌ای مربوط به نحوه‌ی تولید و تغییر فضای شهری هستند که با نظام برنامه‌ریزی و اداره شهر ارتباط دارند. این چالش‌ها اغلب ناملموس و پنهان هستند، اما اثرات مهم و بنیادی بر فضای شهری دارند. برخی از این چالش‌ها عبارتند از: ضعف توان نهادی شهرها، جدا افتادگی و تفرق بخش‌های مختلف اداره شهر، کمبود انگیزه و ابتکار در ایجاد تحولات اساسی در شهر، مقاومت در برابر دگرگونی و روابط نامناسب میان حکومت و مدیریت‌های محلی و شهری (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۳۶-۴۶ به نقل از کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۷).

شهرها به‌عنوان ساختارهای پویا و تکاملی، فضاهای شهری را به‌عنوان یک ورودی مفید برای درک و مدیریت چالش‌های پیچیده در حال ظهور برای شهرها و شهرنشینی ارائه می‌دهند. جوآن کلوس، مدیر یو ان هبیتات، بر اهمیت فضای عمومی در شهر تأکید می‌کند و می‌گوید: «اگر نتوانیم یک سیستم سالم از فضای عمومی در شهر ارائه دهیم، در مورد اینکه آیا ما یک شهر خواهیم داشت، شک و تردید وجود دارد» (کالون^۱، ۱۹۸۶). ستا لائو، در پژوهشی که در سال ۲۰۱۹ انجام داده است، استدلال می‌کند که فضاهای عمومی به‌عنوان مهم‌ترین زمینه برای توسعه یک جامعه از نظر اجتماعی عمل می‌کنند (فارابی اصل و همکاران، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، فضا و جریان حیات شهری به‌واسطه حضور افراد و از خلال روابط اجتماعی آن‌ها شکل می‌گیرد (یزدانیان و داداش‌پور،

¹ Callon

۱۳۹۵). همچنین، اندیشمندان مختلف، رابطه و تأثیر قدرت در ایجاد فضاهای شهر را عیان می‌سازند.

اراضی عباس‌آباد تهران به‌منظور تحلیل تولید فضا در شهر در ایران از منظر سیاسی اهمیت دارد؛ چون نشان‌دهنده تعامل پیچیده و تنش‌آلود بین کنشگران مختلف در فرایند تولید فضا است. اراضی عباس‌آباد تهران در طول تاریخ خود، تحت تأثیر تغییرات سیاسی و اجتماعی کشور قرار گرفته است. این اراضی در گذشته محل اردوگاه ارتش بود و بعد از انقلاب اسلامی، به مالکیت شهرداری تهران رسید. از آن زمان تاکنون، برنامه‌های مختلفی برای توسعه و تغییر کاربری این اراضی ارائه شده است که برخی از آن‌ها با مخالفت و اعتراض شهروندان و گروه‌های مدنی مواجه شده‌اند. اعتراض به این برنامه‌ها نشان‌دهنده تضاد بین دیدگاه‌های مختلف در مورد نقش و کارکرد فضای شهری است؛ برای مثال، برخی از کنشگران فضای شهری را به‌عنوان یک منبع اقتصادی و تجاری می‌بینند و برخی دیگر آن را به‌عنوان یک منبع فرهنگی و اجتماعی می‌دانند. این تضادها باعث می‌شوند که فضای شهری به‌عنوان یک میدان سیاسی مهم در نظر گرفته شود که در آن مشارکت، مذاکره، تعارض و توافق بین کنشگران صورت می‌گیرد.

سؤال اساسی مقاله حاضر این است که «شبکه-کنشگرهای تأثیرگذار در تولید فضاهای شهری اراضی عباس‌آباد تهران جهت ایجاد نظام یکپارچه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کدام‌ها هستند؟ و چه مطالبات و مناسباتی میان آنها برقرار است؟» در راستای پاسخ به این سؤال کلیدی، ابتدا چارچوب نظری پژوهش تبیین و در ادامه به بررسی مناسبات قدرت و سیاست در تولید و بازتولید فضاهای شهری در اراضی عباس‌آباد بین کنشگران مختلف پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

هانری لوفور^۱ اولین کسی بود که مفهوم تولید فضا را در جوامع سرمایه‌داری معرفی کرد (لوفور، ۱۹۹۱). دیوید هاروی^۲ نیز با رویکرد انتقادی، ساختار و عملکرد

^۱ Lefebvre

^۲ Harvey

سرمایه‌داری را در کتاب شهری شدن سرمایه مورد بررسی قرار داد و به گردش سرمایه در فضاهای شهری و تولید فضای مشتق شده از آن پرداخت (هاروی، ۱۹۸۵). ادوارد سوچا هم در کتاب فضای سوم، چنین امری را تحلیل کرد و ادعا کرد که فضا به اندازه تاریخ و جامعه مهم است و ابعاد فضایی زندگی هرگز به اندازه ارتباط سیاسی و عملی امروز وسیع نبوده است (سوچا، ۱۹۹۶). در پژوهش‌های اخیر نیز تحت تأثیر این نوشتارها، مطالعات متنوعی در زمینه تولید فضا انجام شده است که هر یک از منظری ویژه به این موضوع پرداخته‌اند. در ادامه به مهم‌ترین پژوهش‌ها پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۱: برخی از پژوهش‌های دهه‌ی اخیر مرتبط با موضوع پژوهش

نویسندگان	سال انتشار	خلاصه
اپستول	۲۰۰۷	با اتکا به آرای لوفور، سه عبارت مفهوم مکان، احساس مکان و حضور واقعی مکان را به‌عنوان عناصر اصلی بازطراحی فضاهای شهری مورد بررسی قرار داده و نتیجه‌گیری کرده است که فضاهای شهری باید از سه جنبه خارجی، ذهنی و مفهومی و حرفه‌ای مورد ارزیابی قرار گیرند تا از این طریق تولید و بازتولید اجتماعی فضا محقق شود.
داس	۲۰۰۹	با تأکید بر آرای هاروی، بیان داشته است که سرمایه‌داری از یکسو به تولید فضای نابرابر منجر می‌شود و از سوی دیگر، به‌واسطه انحصار فناوری‌های پیشرفته، قیمت کالاها را کاهش می‌دهد که موجب انحصار بازار، سود بیشتر و در نتیجه موجب نابودی فضاهای بومی و سنتی می‌شود.
بالابان	۲۰۱۰	پدیده تولید فضا در ترکیه را مورد بررسی و نشان داده است که مداخله دولت و سیاست‌های حمایتی از جانب دستگاه‌های حکومتی از عاملیت‌های اصلی تولید محیط مصنوع در ترکیه بوده است. او همچنین نتیجه‌گیری کرده است که بازیگران

¹ Soja

<p>سیاسی با مداخله در فرایندهای شهری، نقش سوداگران خود در فضاهای شهری را تثبیت می‌کنند.</p>	۲۰۱۷	هالورسن
<p>با تأکید بر آراء لوفور و سوچا، دیالکتیک فضایی را به‌عنوان روشی تحلیلی توسعه قرار داده که قادر به افشا و توضیح تناقضات، معضلات و تنش‌هایی است که فضایی بودن جنبش‌های اجتماعی را دربر می‌گیرد. او بیان کرده است علیرغم شناخت علمی شکاف‌های درونی در جنبش‌های مختلف، نیاز بیشتری به مفهوم‌سازی ماهیت ذاتاً متناقض جنبش‌های اجتماعی با تأمل در نقش فضایی وجود دارد.</p>		
<p>مدل دیوید هاروی از انباشت سرمایه و فرآیند سلب مالکیت از تجارت املاک و مستغلات را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که هدف اصلی چنین فرایندهایی غصب زمین است. او در بنگلادش ناسازگاری‌های زیادی در مواجهه با اثرات شهرنشینی سریع را شناسایی کرده و گفته است که قربانیان رنج‌های شدیدی را برای سرزمین خود به دلیل عدم اجرای صحیح قانون برای محافظت از آنها در برابر زمین‌خواران روایت می‌کنند.</p>	۲۰۱۹	عارفین
<p>با تأکید بر اندیشه‌های سوچا، دیالکتیک فضایی را به‌عنوان روشی تحلیلی برای درک تغییرات اجتماعی و فضایی در شهرهای پسااستعماری معرفی می‌کند. وی می‌گوید که در این شهرها، ایده‌های حاکم با ظرافت خود را بر واقعیت متمرّد شهر غلبه می‌دهند و فضای سومی را ایجاد می‌کنند که ماهیت متمرّدانه و پویای فراملت را در خود جای داده است.</p>	۱۳۹۵ و	افراخته
<p>نویسندگان به تحلیل و سنجش روابط قدرت کنشگران تولید فضای شهری و ارائه راهکار برای حل معادله توزیع قدرت کنشگران پرداخته‌اند. آنها با استفاده از نرم‌افزارهای یوسینت و میک مک، میزان ارتباطات و میزان قدرت کنشگران را سنجش و تحلیل کرده‌اند و مدل «دولت- فضا- مردم» و تشکیل «نهاد عمومی فضاداران شهری» را پیشنهاد داده‌اند.</p>	۱۳۹۷	فارابی اصل و همکاران

<p>به بررسی روش‌شناسی نظریه کنشگر-شبکه برونو لاتور در تبیین روند طراحی جمعی پرداخته است. او با توضیح مفاهیم اصلی نظریه کنشگر-شبکه، نحوه کاربرد آن را در تحلیل مراحل مختلف طراحی جمعی از جمله تعریف مسئله، تولید راه‌حل‌ها، انتخاب راه‌حل و اجرای طرح نشان داده است.</p>	۱۳۹۷	برزگر
<p>با استناد به نظریه هاروی، سرمایه‌داری مستغلات و تأثیر آن بر تحولات فضای شهری را تحلیل کرده است. آنها نتیجه گرفتند که سرمایه‌داری مستغلات، نوعی سرمایه‌داری است که در آن سرمایه برای کسب سود بیشتر، به‌جای تولید کالا و خدمات، به سوداگری زمین و مسکن می‌پردازد و باعث ضعف فعالیت‌های مولد می‌شود. آنها به این نتیجه رسیدند که این نوع سوداگری، ارزش‌داری زمین و مسکن را افزایش می‌دهد و باعث ایجاد نابرابری‌های فضایی و اجتماعی می‌شود.</p>	۱۳۹۷	یوسفی و همکاران
<p>به بررسی نقش فضا در چرخه دوم انباشت سرمایه و تأثیر آن بر زندگی روزمره افراد پرداخته است. آنها با استفاده از دیالکتیک هگل و مارکس و تریالکتیک لوفور، فضا را به‌عنوان وسیله‌ای برای تولید و بازتولید روابط اجتماعی و اقتصادی در نظام سرمایه‌داری معرفی کردند. آنها با انتقاد از رویکردهای انتزاعی و کمی در مطالعه فضا، به نقش فضای زیسته در تجربه و تفسیر زندگی روزمره افراد توجه کرده‌اند.</p>	۱۳۹۸	آقایی و همکاران
<p>به بررسی فرآیند تولید فضای شهری از منظر زندگی روزمره پرداخته‌اند. آنها با مطالعه انواع نظریات اجتماعی در خوانش فضا، سطح‌بندی از آن ارائه می‌دهند و سپس با تأکید بر نقش کنش به‌عنوان یکی از لایه‌های مؤثر در تولید فضا، سه نظریه نمایشنامه، پرکتیس و تناقض را مورد بررسی قرار داده و با توضیح مفاهیم این نظریه‌ها، روشی برای کاربرد آنها در خوانش فضا ارائه داده‌اند.</p>	۱۳۹۸	جمشیدی و حبیبی
<p>با استفاده از نظریه تولید فضای لوفور، استراتژی‌های منطقه‌گرایی</p>	۱۳۹۸	منوچهری

<p>کلان‌شهری را در ناحیه مرکزی نیویورک مورد تحلیل قرار داده و نشان داده است که چگونه فضای زیسته در این فرآیند به سکوت و خاموشی محکوم شده و به وضعیت پساسیاسی منتهی شده است</p>	<p>میان‌دوآبی</p>
<p>با استفاده از چارچوبی تحلیلی، به شناخت شیوه‌های نفوذ در فضا توسط صاحبان قدرت، به‌عنوان ابزاری در فهم معانی مستتر در یک فضای شهری اشاره کرده است.</p>	<p>رهروی و حقیقی بروجنی ۱۴۰۰</p>
<p>سه دوره تاریخی را به‌عنوان مراحل مختلف تولید فضا در ایران در نظر گرفته و اهداف، نیروها و نتایج تغییر فضای شهری در هر دوره را توصیف کرده است. او نتیجه‌گیری کرده است که در دوره اول (پهلوی اول)، دولت با الگوگیری از هوسمانیسم، فضا را به‌عنوان ابزاری برای کنترل اجتماعی و بسط سرمایه‌داری مدرن، در دوره دوم (پهلوی دوم)، دولت با تزریق پول‌های نفتی، فضا را به‌عنوان بازاری برای انباشت سرمایه تبدیل کرده و در دوره سوم (بعد از انقلاب)، دولت با عقب‌نشینی از تأمین بودجه شهرداری، فضا را به‌عنوان محلی برای سوداگری زمین و مسکن به بورژوازی مستغلات و شهرداری واگذار کرده است.</p>	<p>منوچهری میان‌دوآبی ۱۴۰۰</p>

منبع: نویسندگان با اقتباس از منابع مختلف

چارچوب نظری پژوهش

۱- مفهوم فضا و تولید فضای شهری

فضا یک محصول اجتماعی است که در ادوار مختلف تاریخی توسط فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته و تغییر می‌کند. تولید فضا نیز فرایندی است که در آن انسان‌ها با استفاده از ابزارها، نمادها و ایدئولوژی‌ها فضا را معنادار، تفسیرپذیر و قابل کنترل می‌کنند. فوکو (۱۹۸۶) فضا را به‌عنوان یک عامل اجتماعی و سیاسی در نظر گرفت و نشان داد که چگونه قدرت از طریق فضا تولید، توزیع و اعمال می‌شود. فوکو مفهومی را به نام «دیسپوزیتیف»^۱ مطرح کرد که به مجموعه‌ای از عناصر مادی، زبانی، گفتمانی و

^۱ dispositive

عملی اشاره می‌کند که در یک زمان و مکان خاص به وجود می‌آیند و با هم تعامل دارند. دیسپوزی티브‌ها نشان‌دهنده روش‌هایی هستند که قدرت از طریق دانش و فضا به انسان‌ها و رفتارهای آن‌ها دسترسی پیدا می‌کند و آن‌ها را مدیریت و کنترل می‌کند. فوکو مثال‌هایی از دیسپوزی티브‌ها را در زمینه‌های مختلفی مانند زندان، بیمارستان، مدرسه و شهر آورد و نشان داد که چگونه این فضاها به‌عنوان ابزارهایی برای ایجاد و اعمال «انضباط» و «زیست‌قدرت» عمل می‌کنند^۱. فوکو همچنین مفهومی را به نام «آبجکت» معرفی کرد که به فضاهایی اشاره می‌کند که از نظم و قانون عمومی خارج شده‌اند و به‌عنوان مکان‌هایی برای انحراف، مقاومت و مبارزه علیه قدرت محسوب می‌شوند. آبجکت‌ها می‌توانند مکان‌هایی مانند خیابان، محله، پارک، کافه و غیره باشند که در آن‌ها انسان‌ها از قیدهای انضباطی رها شده و امکان بیان هویت، تفاوت و خلاقیت خود را داشته باشند. فوکو معتقد بود که آبجکت‌ها می‌توانند مکان‌هایی برای تولید دانش‌های جدید و متقابل باشند که می‌توانند به تغییر و تحول اجتماعی منجر شوند.

از نظر هاروی (۱۹۹۰)، سرمایه‌داری با تولید و توزیع نابرابر فضا، شهرها را به‌عنوان محل تولید و مصرف سرمایه، مورد تغییر و تبدیل قرار می‌دهد. او از مفهوم چرخه‌های سرمایه برای تبیین فرایند تولید فضا استفاده می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه سرمایه‌داری با انتقال سرمایه از یک مدار به دیگری، بحران‌های خود را حل می‌کند.

لوفور (۱۹۹۱)، یکی از نظریه‌پردازان برجسته در زمینه فلسفه فضا، مفهوم فضای اجتماعی را معرفی می‌کند. او فضا را به سه بعد فضای تصور شده، فضای تجسم شده و فضای تجربه شده تقسیم می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این سه بعد با هم تداخل و تعامل دارند. او همچنین از مفهومی ربطی درخصوص فضا و زمان استفاده می‌کند و می‌گوید که فضا عالم همزمانی و نظم همزمان واقعیت اجتماعی است و زمان نشانگر نظم در زمانی و فرایند تاریخی تولید اجتماعی است.

۲- انضباط به معنی تبدیل کردن انسان‌ها به «بدن‌های رام» و زیست‌قدرت به معنی «تنظیم و بهینه‌سازی زندگی انسان‌ها» است.

سوجا (۱۹۹۶) با استفاده از نظریه‌های فوکو، لوفور، هاروی و دیگران، می‌گوید که فضا یک بعد مستقل و مؤثر در تحلیل و تفسیر واقعیت اجتماعی است و نه تنها نتیجه، بلکه عامل و شرط تاریخی است. او به بررسی مثال‌هایی از فضاهای پسا مدرن در شهرهای مختلف، به‌ویژه لس‌آنجلس، می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه فضاهای پسا مدرن با تنوع، تضاد و تغییر مستمر مواجه هستند.

هیلیر (۱۳۸۸) بر این باور است که فضاهای شهری نه تنها محیط‌های فیزیکی هستند، بلکه محل‌هایی هستند که معنا و ارزش به آن‌ها نسبت داده می‌شود و به‌عنوان ابزارها، محدوده‌ها، میدان‌ها و مکان‌های اجتماعی عمل می‌کنند. او از نظریه شبکه کنشگر برای تحلیل ساختارهای فضایی شهری و روابط بین آن‌ها استفاده کرده و معتقد است که ساختارهای فضایی شهری نشان‌دهنده شبکه‌های روابط بین کنشگران هستند و بر روی رفتار، ارتباط، هویت و فرهنگ آن‌ها تأثیر می‌گذارند. از نظر هیلیر فضاهای شهری به‌عنوان یک میدان اجتماعی متغیر و پویا هستند که در آن کنشگران از طریق فضا با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و بر روی فضا تأثیر می‌گذارند.

۲- نظریه شبکه-کنشگر

نظریه شبکه کنشگر^۱ (ANT) یک رویکرد نظری و روش‌شناختی در علوم اجتماعی است که بر پیچیدگی و تغییرپذیری شبکه‌های روابط بین عوامل انسانی و غیرانسانی در جهان‌های طبیعی و اجتماعی تأکید می‌کند (شریف‌زاده، ۱۳۹۵). این رویکرد از دوگانه‌بینی‌های سنتی مانند عاملیت-ساختار، ذات‌گرایی-ابزارگرایی، انسان-طبیعت و تکنولوژی-جامعه فاصله می‌گیرد و به‌جای آن از یک دیدگاه هم‌سطحی و هم‌ارزی بین کنشگران استفاده می‌کند. این رویکرد معتقد است که هیچ چیزی بیرون از شبکه‌های روابط وجود ندارد و همه چیز از طریق فرایند ترجمه‌ها، وساطت‌ها و پیوندهای بین کنشگران شکل می‌گیرد (افراخته و همکاران، ۱۳۹۵).

کنشگر در این نظریه هر عاملی است که می‌تواند بر روی دیگر عوامل تأثیر بگذارد و یا تحت تأثیر آن‌ها قرار بگیرد. کنشگران می‌توانند انسانی یا غیرانسانی باشند، مثل افراد،

^۱ Actor-Network Theory

گروه‌ها، سازمان‌ها، ایده‌ها، اشیاء، فناوری‌ها و غیره. کنشگران در شبکه‌هایی از روابط با یکدیگر در ارتباط هستند و از طریق فرایند ترجمه‌ها، وساطت‌ها و پیوندها، فضاهای شهری را تولید و بازتولید می‌کنند (شریف‌زاده، ۱۳۹۵). در مورد مفهوم شبکه در نظریه شبکه کنشگر، ولمن معتقد است شبکه مجموعه‌ای از روابط است که همدیگر را تقویت یا تضعیف می‌کنند (ولمن، ۱۹۹۸). شبکه‌ها، الگوها، سلسله‌مراتب، سازمان‌ها، عوامل و نظم را تولید و بازتولید می‌کنند (ییم^۱، ۲۰۰۹). شبکه کنشگر (ANT) اتحاد بین کنشگرهای ناهمگن را مطالعه می‌کند و قدرت و ارتباط در این شبکه‌ها درهم تنیده‌اند. (کریسمن، به نقل از جابری، ۱۳۹۱).

روابط بین کنشگران در نظریه شبکه کنشگر به‌عنوان یک شبکه پویا، متغیر، نوع‌بخش و تکاملی تعریف می‌شود که در آن کنشگران از طریق فرایندهای ترجمه، وساطت و پیوند با یکدیگر در ارتباط هستند و بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). این روابط می‌توانند به‌صورت همکاری، هماهنگی، توافق، تعارض، تقویت، تضعیف، تغییر یا حفظ کنشگران صورت بگیرند (فارابی اصل و همکاران، ۱۴۰۰).

قدرت و سیاست در این نظریه به‌عنوان نتیجه‌ای از تعاملات و تأثیرات بین کنشگران در شبکه در نظر گرفته می‌شوند. قدرت به معنای توانایی کنشگران برای ایجاد تغییرات در رفتار، اراده، منافع و ارزش کنشگران دیگر تعریف می‌شود. سیاست به معنای فرایندی از مذاکره، توافق، تعارض، ترجمه، وساطت و پیوند بین کنشگران برای تعیین موقعیت، نقش، هویت و قدرت آن‌ها در شبکه تعریف می‌شود (هاشمیان و انواری، ۱۳۹۷).

نظریه شبکه کنشگر در تحلیل فضاهای شهری می‌تواند به شناخت بهتر پدیده‌ها و مسائل شهری که از طریق شبکه‌های روابط پیچیده‌ای از عوامل ناهمجنس تشکیل شده‌اند، کمک کند. این نظریه با توجه به عاملیت هم‌زمان انسان، طبیعت و تکنولوژی در شبکه‌ها، از دیدگاه‌های انسان‌محور و تکنولوژی‌محور منحرف می‌شود و به‌جای آن از یک دیدگاه هم‌زمانی و هم‌ارزی بین کنشگران حمایت می‌کند. این نظریه با تأکید بر

¹ Yim

تغییرپذیری و ناپایداری شبکه‌ها، نیاز به یک رویکرد پویا و انعطاف‌پذیر در برنامه‌ریزی شهری را مطرح می‌کند و برنامه‌ریزی شهری را به‌عنوان یک فرایند سیال و مذاکره‌ای می‌داند.

۳- مراحل فرایند عمل کنشگران در شبکه

نظریه کنشگر-شبکه مبتنی بر این است که کنشگران طی منازعه با یکدیگر، وجود خود را تعیین می‌بخشند و می‌کوشند از طریق میانجی‌های مختلف حرف خود را به دیگران بقبولانند. این فرایند متضمن چهار مرحله (نه لزوماً پیاپی یا مجزا) شامل ادغام، اقناع، عضوگیری و بسیج است (هاروی، ۱۹۹۲ و هیلیر، ۱۳۸۸). همچنین پژوهشگران دیگر، فرایند شکل‌گیری شبکه را شامل چهار مرحله مسئله‌یابی، عضو یابی، عضوپذیری و تجهیز و بسیج اعضا می‌دانند (اوریت-دیرینگ^۱، ۲۰۰۸؛ ویکراماسینگه^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). به نقل از شریف‌زاده و همکاران، (۱۳۹۱). تحلیل این سازوکار امکان می‌دهد تا مناسبات قدرت را بهتر درک کنیم (کالون، ۱۹۸۶) و پتانسیل‌های ارتقاء وضع موجود را بهتر بشناسیم. لذا توجه به مفهوم قدرت در این رویکرد، امری ضروری و اساسی است.

۴- مفهوم قدرت در نظریه کنشگر-شبکه

مفهوم قدرت، به‌نحوی که در اندیشه فوکویی معطوف به قدرت/دانش تکامل‌یافته است، در رویکرد کنشگر-شبکه مفهومی محوری است. کنش، سرشار از بار قدرت است. «آن‌ها که قدرتمند هستند آن‌هایی نیستند که قدرت را در دست دارند، بلکه آن‌هایی هستند که می‌توانند دیگران را متقاعد سازند، به خدمت بگیرند و وارد اجتماعاتی کنند که خود را به‌عنوان نماینده آن قرار داده‌اند» (مرداک و مارسدن^۳، ۱۹۹۵). کنشگران از منابع/ میانجی‌هایی که در دسترس دارند بهره می‌گیرند تا دیگر کنشگران را نسبت به دیدگاه-های خود در جهت اهدافی که دنبال می‌کنند، متقاعد سازند. لذا نمود فضاهای زیست انسانی با تصورات یا بازنمون‌های کنشگر-شبکه شکل می‌گیرد (هیلیر، ۱۳۸۸). شبکه‌های

¹ Everitt-Deering

² Wickramasinghe

³ Murdoch and Marsden

موفق، متشکل از ذی‌نفعان و تفسیر‌علاقه و مشارکت در شیوه‌های فکری و عملی خاصی است که دوام شبکه را دنبال می‌کند (مک‌مستر و همکاران^۱، ۱۹۹۷).

۵- ماهیت نظام سیاسی در نظریه کنشگر-شبکه

نوع ماهیت نظام‌های سیاسی در هر جامعه، تأثیر اساسی در شبکه کنشگرهای در آن جامعه و بالطبع نحوه تولید فضاهای شهری که تجلی کالبدی آن‌هاست دارد. گوناگونی این نظام‌های سیاسی، امتناع یا امکان دستیابی به اهداف توسعه سیاسی را برای طرفداران آن متفاوت می‌کند. حاکمیت، در نظام‌های سیاسی گوناگون اعم از سلطنت موروثی با تعریف ماکیاولی و ژان بدن، سلطنت مطلقه مدنی از نظر توماس هابز، سلطنت مشروطه منطبق با دیدگاه جان لاک و جمهوری بر اساس منطق اندیشمندانی همچون ژان ژاک روسو، هرکدام بر اساس تعریف خاصی که برآمده از ماهیت آن نظام سیاسی است با حقوق و آزادی‌های فردی مواجه می‌شوند و به همین دلیل محدودیت‌های توسعه سیاسی با توجه به تنوع ساختارهای سیاسی، متنوع و متفاوت می‌شود (وفائی، ۱۳۹۳).

۶- ساختار روابط بین کنشگران از منظر قدرت و امر سیاسی

از مجموعه مصاحبه‌ها و گفتگوهای انجام‌شده در این پژوهش با استادان حوزه سیاسی و شهرسازی و معماری و تعدادی از دست‌اندرکاران در فرایند تولید فضای شهری اراضی عباس‌آباد تهران، می‌توان مهم‌ترین مسائل سیاسی تأثیرگذار در تحلیل تولید فضا در تهران و به‌طور ویژه در اراضی عباس‌آباد را در قالب زیر مطرح نمود. از دیدگاه کارل اشمیت، سیاست زمانی شکل می‌گیرد که ما بتوانیم دیگری را شکل دهیم و به وجود آوریم. در واقع مرزبندی مشخصی بین ما و دیگری وجود داشته باشد. پایه‌های قدرت از «روابط زبانی» به وجود می‌آید. در واقع انسان در محاوره‌ها تلاش می‌کند با کمک روابط زبانی، افراد را به کمک قوه اقتناع که در کلمات دارد تحت کنترل درآورد؛ بنابراین وقتی قدرت اقتناعی به وسیله زبان جاری می‌شود و کنترل شکل می‌گیرد به وسیله این کنترل، در واقع کم‌کم انسان، مرزبندی‌اش را مشخص می‌کند و «ما» ایجاد می‌کند؛ «ما»

¹ McMaster & et al

در مقابل «آن‌ها». در این حالت است که سیاست شکل می‌گیرد و تمامی توانایی‌ها به کار گرفته می‌شود تا این مرز را دقیق‌تر و پررنگ‌تر کند و هرچقدر این تدقیق بیشتر شود، به‌نوعی بار ایدئولوژیک به خودش می‌گیرد. همه دستگاه‌های سیاسی، این «دیگری سازی» را انجام می‌دهند.

۷- تبیین چارچوب مفهومی

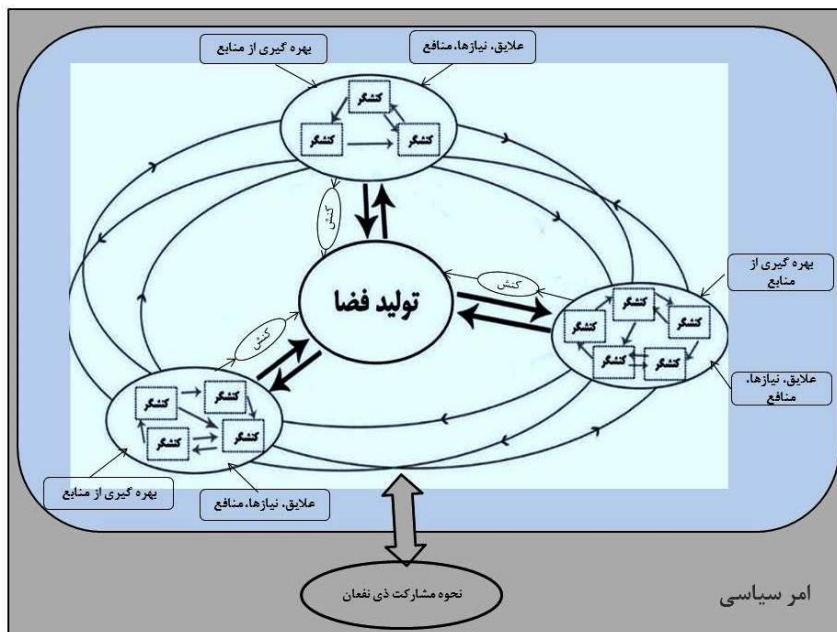
تولید فضای شهری یک فرایند پیچیده و چندبعدی است که در آن کنشگران مختلفی با اهداف، منافع، انگیزه‌ها و قدرت‌های متفاوت درگیر هستند. این کنشگران می‌توانند از سطوح مختلفی از سازمان‌ها، نهادها، گروه‌ها و افراد تشکیل شوند که در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، اجرا و استفاده از فضای شهری نقش دارند (یزادنیان و داداش‌پور، ۱۳۹۵). رویکرد شبکه کنشگران یک رویکرد تحلیلی است که به بررسی روابط، تعاملات و تأثیرات متقابل بین کنشگران تولید فضای شهری می‌پردازد (جابری، ۱۳۹۱). این رویکرد می‌تواند به درک بهتر از پیچیدگی‌ها، چالش‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود در فرایند تولید فضای شهری کمک کند (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). برای انجام یک تحلیل شبکه کنشگران، لازم است که ابتدا کنشگران مرتبط با موضوع مورد مطالعه شناسایی شوند. سپس باید میزان قدرت، منافع، انگیزه‌ها، اهداف، نگرش‌ها و ارزش‌های هر کنشگر مشخص شود. در مرحله بعد، باید نوع و شدت روابط بین کنشگران مورد ارزیابی قرار گیرد. در نهایت، باید نتایج تحلیل شبکه کنشگران را با استفاده از روش‌های کمی و کیفی نمایش داده شود.

یکی از روش‌های کیفی متداول برای نمایش شبکه کنشگران، استفاده از چارچوب مفهومی است که در آن کنشگران و روابط بین آنها به‌صورت متنی و گرافیکی بیان می‌شوند. این چارچوب می‌تواند مزایایی مانند سادگی، روانی، انعطاف‌پذیری و توضیح‌پذیری داشته باشند. در ادامه، یک چارچوب مفهومی برای تحلیل تولید فضای شهری با رویکرد شبکه کنشگران ارائه شده است.

- کنشگران: شهروندان، شهرداری، شورای شهر، سازمان میراث فرهنگی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت راه و شهرسازی، وزارت امور اقتصادی و

- دارایی، وزارت کشور، مجلس شورای اسلامی، دولت، شرکت‌های خصوصی، مؤسسات عمومی و خیریه، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی.
- قدرت: قدرت یک اثرگذاری سیال است که در قالب مناسبات و روابط در میان کنشگران با استفاده از میانجی‌هایی به جریان می‌افتد و به صورت شبکه‌ای تولید و بازتولید می‌گردد؛ که این میانجی‌ها همان منابع و ابزارهایی است که کنشگران برای تحقق اهداف و منافع خود در تولید فضای شهری به کار می‌برند. این منابع و ابزارها می‌توانند شامل بودجه، اعتبار، ضوابط، قوانین، سیاست‌ها، ایدئولوژی، اطلاعات، دانش، تخصص، تجربه، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها، تأثیرگذاری، مشارکت، حضور، اعتماد، اعتبار، اعتمادسازی، تهدید، فشار، تحریم، مذاکره، همکاری، تعارض و ... باشند.
- منافع: آنچه که کنشگران از تولید فضای شهری برای خود می‌خواهند یا به آن نیاز دارند. این منافع می‌توانند شامل منافع مادی، معنوی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، زیست‌محیطی و ... باشند.
- انگیزه‌ها: عواملی که کنشگران را برای تحقق منافع خود در تولید فضای شهری ترغیب می‌کنند. این عوامل می‌توانند شامل عوامل درونی مانند ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، احساسات، خواسته‌ها، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و ... یا عوامل بیرونی مانند فرصت‌ها، تهدیدها، تشویق‌ها، تنبیه‌ها، انتظارات، نیازها، الزامات و ... باشند.
- اهداف: آنچه که کنشگران در تولید فضای شهری قصد دارند به آن برسند یا آن را ایجاد کنند. این اهداف می‌توانند شامل اهداف کلان، خاص، عمومی، جزئی، بلندمدت، کوتاه‌مدت، انطباقی، تغییری، توسعه‌ای، حفاظتی و ... باشند.
- نگرش‌ها: دیدگاه‌ها، ارزیابی‌ها و گرایش‌های کنشگران نسبت به موضوع، مسئله، راه‌حل، فرصت، تهدید، هدف، منفعت، انگیزه، قدرت و ... در تولید فضای شهری. این نگرش‌ها می‌توانند مثبت، منفی، خنثی، متغیر، ثابت، قابل تأثیر، مقاوم، رسمی، غیررسمی و ... باشند.

- ارزش‌ها: معیارها، استانداردها و اصولی که کنشگران بر اساس آنها رفتار، تصمیم، سیاست، اقدام و ... خود را در تولید فضای شهری شکل می‌دهند. این ارزش‌ها می‌توانند شامل ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و ... باشند.
- روابط: ارتباطات، تعاملات و تأثیرات متقابل بین کنشگران در تولید فضای شهری. این روابط می‌توانند شامل روابط همکاری، رقابت، تعارض، توافق، مشارکت، هماهنگی، تبادل، تعامل، تبعیت، تأثیر، تبعیض، تحریم، تقابل، تعادل، تغییر و ... باشند.
- تأثیر: میزان و نحوه تغییر یا حفظ وضعیت کنونی فضای شهری به علت رفتار، تصمیم، سیاست، اقدام و ... کنشگران. این تأثیر می‌تواند شامل تأثیر مستقیم، غیرمستقیم، مثبت، منفی، قابل اندازه‌گیری، غیرقابل اندازه‌گیری، بلندمدت، کوتاه‌مدت، محلی، منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی و ... باشد.



شکل شماره ۱: چارچوب مفهومی تحلیل تولید فضای شهری با رویکرد نظریه شبکه کنشگران

منبع: نویسندگان

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد نظریه شبکه کنشگران، فرایند تولید فضای شهری را در قالب تعاملات و روابط قدرت بین کنشگران مؤثر بررسی می‌کند. مورد مطالعه، فضای شهری اراضی عباس‌آباد تهران است که در پس‌زمینه امور قدرت و سیاست (در پس زمینه امر سیاسی) تحلیل شده است. این پژوهش از نوع اکتشافی - توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش مطالعه موردی، داده‌های کیفی و کمی را جمع‌آوری و تحلیل کرده است. داده‌های کیفی از روش‌های مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان موضوع و ذینفعان، بررسی اسنادی و مشاهدات میدانی و داده‌های کمی نیز از طریق مراجعه به سازمان‌ها و نهادهای متولی جمع‌آوری شده‌اند. کنشگران تأثیرگذار و شبکه‌های آن‌ها با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی و بر اساس دو معیار جایگاه قانونی و منابع قدرت شناسایی شده‌اند. این پژوهش طی ۱۰ ماه و با مصاحبه با ۳۰ نفر از خبرگان موضوع انجام شده است.

قلمرو مکانی

این پژوهش به بررسی تولید فضای شهری منحصربه‌فرد و باارزش اراضی عباس‌آباد تهران پرداخته است که این فضا را می‌توان یک ثروت ملی و یک میراث فرهنگی برای کشور دانست. اراضی عباس‌آباد یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پروژه‌های توسعه شهری در تهران (و در ایران) است که در مساحتی حدود ۵۵۴ هکتار واقع شده است (طرح ویژه عباس‌آباد، این اراضی از شمال به خیابان میرداماد، از شرق به بلوار حقانی و خیابان آهنچی، از جنوب به خیابان عباس‌آباد و از غرب به خیابان آفریقا محدود می‌شود و در نقطه اتصال ناحیه مرکزی شهر تهران و شمیرانات قرار دارد. این اراضی چه به لحاظ وسعت و چه نوع فضاها، آن، نه تنها در ایران منحصربه‌فرد است بلکه در سایر کشورها نیز کم‌نظیر است. (با جستجوی فراوان نگارندگان در فضاها، شهری سایر کشورها (غیر از سنترال پارک در منهتن که آن هم کاملاً مشابه نیست)، مورد مشابهی برای این اراضی و این فضای شهری باارزش یافت نشد).



شکل ۲- موقعیت استقرار اراضی عباس آباد

منبع: طرح ویژه بازآفرینی اراضی عباس آباد، ۱۳۹۴

این اراضی که در مرکز شهر تهران قرار دارند، در طول تاریخ با تغییرات مالکیت و مصوبات شهرسازی روبرو شده‌اند. برخی از این واگذاری‌ها به شرح زیر است:

- دوره قاجار، این اراضی متعلق به عباس میرزا صدراعظم محمدشاه بود و پس از مرگ او، به فرزندان و ولیعهدانش تقسیم شد.
- دوره پهلوی اول، مالکیت این اراضی به بانک فلاح (کشاورزی) رسید و در اواخر دهه ۴۰، بانک کشاورزی بخش‌هایی از آن را به بانک رهن، سازمان برنامه و کارکنان خود واگذار کرد.
- در سال ۱۳۳۱، بخش عمده‌ای از قسمت شمالی اراضی عباس آباد به ارتش واگذار شد و توسط ارتش به افراد خصوصی فروخته شد.
- در سال ۱۳۵۰، با تصویب طرح جامع شهر تهران، این اراضی به شهرداری تهران به‌عنوان مرکز شهر مدرن واگذار شد و شرکت عمران و بهسازی عباس آباد برای اجرای طرح تأسیس شد.

-در دوره شهرداری کرباسچی، چندین قطعه زمین از این اراضی به دستگاه‌های دولتی مانند بانک مرکزی، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و وزارت راه و شهرسازی واگذار شد.

-در دوره شهرداری احمدی‌نژاد، تلاش شد تا این زمین‌ها از دولت گرفته شده و به شهرداری هبه شود که با انتخاب او به‌عنوان رئیس جمهور، این اتفاق رخ داد.

- در سال ۱۳۹۰، با وجود قانون اراضی عباس‌آباد که اجازه واگذاری املاک را نمی‌دهد، بخشی از این اراضی به سازمان املاک شهرداری، بنیاد شهید و بانک دی فروخته و تحویل شد.

-واگذاری بخشی از اراضی عباس‌آباد به بخش خصوصی برای ایجاد مجموعه TOD در سال ۱۳۹۲ با مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران صورت.

-تصویب طرح ویژه اراضی عباس‌آباد در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۹۴ با هدف حفظ و احیای فضای سبز و فرهنگی.

-احداث پارک‌های موضوعی با تم‌های مختلف در سال ۱۳۹۷ با هدف ایجاد فضاهای تفریحی و آموزشی برای شهروندان.

یافته‌ها و نتایج

در این پژوهش تلاش شد، با بهره‌گیری از روش کیفی با ابزار مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، نقش امر سیاسی و قدرت در شکل‌گیری شبکه بازیگران تولید فضاهای شهری در اراضی عباس‌آباد تهران که نماد قدرت حاکمیت در دوره معاصر است، شناسایی و تحلیل شود. یافته‌های اساسی مطالعه به شرح زیر است:

شناسایی و تحلیل پارادایم‌های فکری تولید فضاهای شهری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، دو پارادایم فکری «اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان» در تولید فضاهای شهری اراضی عباس‌آباد تهران نقش حیاتی ایفا می‌کنند. این دو پارادایم، با هم تعارض دارند، زیرا از دیدگاه‌ها، اهداف، ارزش‌ها، استراتژی‌ها و ابزارهای متفاوتی در تولید فضا استفاده می‌کنند. پارادایم فکری اصول‌گرا بر اساس ایدئولوژی انقلابی، تولید فضا را به‌عنوان یک ابزار برای تثبیت و تقویت قدرت حاکمیت و انعکاس ارزش‌های دینی و اخلاقی می‌داند؛ درحالی‌که اصلاح‌طلبان بر اساس ایدئولوژی مدرنیته و توسعه،

تولید فضا را به‌عنوان یک ابزار برای ارتقاء کیفیت زندگی و توسعه پایدار می‌داند. این دو پارادایم فکری سعی می‌کنند سایر بازیگران و ذینفعان (شهروندان و مصرف‌کنندگان فضا، جامعه مدنی و حتی بخش خصوصی) را تحت نفوذ خود قرار دهند و در برخی مواقع آنها را حذف کنند. به عبارتی بازیگران هر کدام از این دو پارادایم فکری، با هم همکاری و هم‌راستا می‌شوند و یک طیف «خودی» را تشکیل می‌دهند که در مقابل آن یک طیف «دیگری» شکل می‌گیرد. در این شرایط، بازیگر مستقلی که بتواند نقش میانجی‌گری و هماهنگی بین شبکه‌ها را ایفا کند، وجود ندارد. تغییر در نوع فضاهای ایجاد و چرخش‌های سرمایه‌ای در این اراضی در هر کدام از پارادایم‌های فکری حاکم، گواهی این موضوع است.

شناسایی و تحلیل شبکه‌ها و کنشگران تولید فضاهای شهری

شبکه کنشگران، مجموعه‌ای از عناصر مختلف است که در تولید فضای شهری با یکدیگر تعامل می‌کنند. این عناصر شامل: نهادها، سازمان‌ها، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، سیاست‌گذاری‌های کلی، ایدئولوژی حاکم، منافع و علایق و انگیزه‌های افراد یا گروه‌ها، منابع و ابزارهای قدرت مانند بودجه و اعتبار و ضوابط و قوانین می‌باشند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، سه شبکه «حاکمیت، دولت و مدیریت شهری» تولید فضاهای شهری در اراضی عباس‌آباد تهران را هدایت می‌کنند. کنشگران شبکه حاکمیت ثابت بوده ولی کنشگران دولت و مدیریت شهری با توجه به پارادایم فکری غالب (اصولگرا یا اصلاح‌طلب) جابجا و چیدمان می‌شوند. شهروندان، نهادهای مردمی (NGO, CBO) و بخش خصوصی به‌عنوان کنشگران اصلی تولید فضاهای شهری، در هیچ کدام از شبکه‌های یاده شده، جایگاهی ندارند؛ لذا شبکه کنشگران اراضی عباس‌آباد ناقص و ناکامل است.

جدول شماره ۲: شبکه‌ها و کنشگران تأثیرگذار در تولید فضای شهری اراضی عباس‌آباد

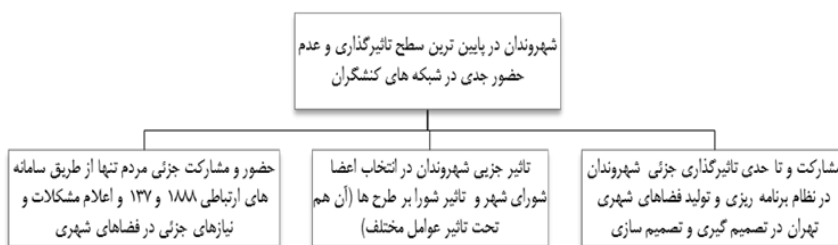
ردیف	شبکه	هدف	کنشگران
۱	شبکه	در راستای	مجلس شورای اسلامی
۲	شبکه	در راستای	رهبری نظام

متولیان مصلی (وابسته به نهاد رهبری)	عملکرد	حاکمیت	۱
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	توسعه	و نهاد	
باغ‌موزه دفاع مقدس	همسویا	وابسته به	
ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران	منافع ملی و	آن	
بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی	نظام		
بانک انصار سپاه	حکومتی		
سازمان تبلیغات اسلامی	(قبل و بعد		
اداره اوقاف	از انقلاب)		
فرهنگستان			
مهندسین مشاور تهیه‌کننده طرح‌ها			
شرکت‌های پیمانکار اجراکننده پروژه‌ها			
وزارت راه و شهرسازی- (شامل وزیر راه و			
شهرسازی)-سازمان راه‌آهن			
شورای عالی شهرسازی و معماری			
شورای راهبری و نظارت بر اجرای طرح ویژه اراضی			
عباس‌آباد		شبکه	
استانداری تهران		دولت و	
وزارت نفت	وزارتخانه‌ها	سازمان‌ها	۲
وزارت نیرو	(زیرمجموعه	و	
سازمان کشتیرانی	های دولت)	وزارتخانه	
کتابخانه ملی زیر نظر نهاد ریاست جمهوری		ها	
بانک مرکزی			
خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران			
صداوسیما جمهوری اسلامی ایران			
بانک سپه			
سازمان بازرسی کل کشور			
شورای شهر تهران	نهادهای	شبکه	۳

شهرداری تهران	نیمه عمومی	مدیریت شهری
شرکت نوسازی عباس آباد	نیمه دولتی	
مدیرعامل شرکت نوسازی عباس آباد	با وظیفه	
هیئت مدیره شرکت نوسازی عباس آباد	انجام	
اداره نظارت و اجرای پروژه های عباس آباد	امورات	
سازمان مشاور فنی عمران تهران	شهری	
سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران		
بازرسی شهرداری تهران		

منبع: یافته های تحقیق مستخرج از مصاحبه های نیمه ساخت یافته و مشاهدات میدانی و اسناد، ۱۴۰۰

عدم نقش و تأثیرگذاری شهروندان در مراحل تهیه و تصویب و اجرای طرح، فقدان جایگاه قانونی برای شهروندان بین کنشگران از لحاظ تأثیرگذاری و قدرت، باعث قرار گرفتن شهروندان در پایین ترین سطح تأثیرگذاری و فقدان حضور جدی در شبکه کنشگران اصلی تولید فضا شده است (شکل ۶).



شکل ۶: فقدان حضور مؤثر شهروندان در شبکه کنشگران تولید فضای شهری اراضی عباس آباد

منبع: فارابی اصل و همکاران، ۱۴۰۰

بحث و نتیجه گیری

آنچه از مجموع نتایج پژوهش و کنکاش در حوزه تولید فضا در شهر می توان چنین استدلال کرد که در هر دوره زمانی، کنشگران صاحب قدرت در راستای امر سیاسی خود، از فضای تولیدشده بهره مدنظر خود را اخذ می کنند و قدرت در داخل امر سیاسی عجین

شده است. طرح‌های توسعه شهری و تعریف پروژه‌های توسعه از طریق تعریف «ما» و «دیگری» در لابه‌لای متن برنامه‌ها انجام می‌شود. در یک طرح شهرسازی همه شهروندان و اقشار در بهره‌مندی از فضاهای ایجادشده آن طرح، یکسان در نظر گرفته نمی‌شوند. بعضی اقشار یک درجه پایین‌تر، یک درجه دیگر لحاظ می‌شوند. این یعنی تولید فضا تحت تأثیر امر سیاسی. بدین ترتیب قدرت در لابه‌لای امر سیاسی تعریف می‌شود، فضایی که «ما» در آن زندگی می‌کند و فضایی که «دیگری» در آن زندگی می‌کند.

قدرت، این شکل فضا و این مرزبندی را تولید می‌کند. هر فضا تجلی و انعکاس تفکر و قدرت ایجادکننده‌ی آن است. فضا تجلی لبه‌های تفاوت «ما» و «دیگری» است. هدف تولید فضا در عباس‌آباد، تولید قدرت بوده و هست. نکته حائز اهمیت در اینجا اینکه عملکرد و مطلوبیت فضای شهری تولیدشده، به چگونگی شکل‌گیری، ثبات و قدرتمندسازی شبکه کنشگران در طول زمان بستگی دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تأثیرگذاری امر سیاسی و قدرت کنشگران بهره‌مند از کرسی‌های قدرت، باعث تشدید فقدان و کمبود نهادهای مدنی و مشارکت مردمی و تبدیل شدن عرصه مدیریت شهری به یک عرصه تجدید قدرت برای گروه‌های قدرت سیاسی در سطح ملی و نهایتاً منجر به عدم تحقق حق بر شهر شهروندان در ابعاد مختلف و تشدید نابرابری‌ها و نا عدالتی در شهر شده است به عبارتی می‌توان این‌گونه بیان نمود که بین شهرنشینی و تولید فضا رابطه دیالکتیکی وجود دارد. بدین معنی که شهرنشینی نه فقط فضای فیزیکی از جمله محیط ساخته‌شده، کاربری اراضی و چشم‌اندازها را تغییر می‌دهد، بلکه فضای تخیلی و ذهنی و فضای تولیدشده نیز کل فرایند شهرنشینی را نیز تغییر می‌دهد.

شناسایی هدف از تولید فضا در شهر بسیار حائز اهمیت است. بررسی‌های نویسندگان نشان می‌دهد که هدف از تولید فضا در اراضی عباس‌آباد تهران در بعد از انقلاب اسلامی، بیشتر کنترل فیزیکی و ذهنی این فضا بوده است. در این راستا، شبکه‌هایی از کنشگران در تولید فضای شهری اراضی عباس‌آباد شکل می‌گیرد که گفتمان غالب آنها را پارادایم فکری دولت حاکم تعیین می‌کند؛ به طوری که کنشگران وابسته به پارادایم فکری دولت اصول‌گرا، تولید فضا در اراضی عباس‌آباد تهران را ابزاری برای انعکاس ارزش‌های دینی و اخلاقی و کنشگران وابسته به اصلاح‌طلبان آن را ابزاری برای

ارتقاء کیفیت زندگی و فرهنگی و توسعه پایدار قلمداد می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت که تولید فضا در اراضی عباس‌آباد تهران به شدت سیاسی است. سیاسی شدن فضا، منجر به بی‌توجهی به مشارکت شهروندان و نهادهای مدنی در تولید فضا در اراضی عباس‌آباد شده است. در واقع می‌توان گفت فضا و تولید آن در اراضی عباس‌آباد، تحت تأثیر نظام سیاسی بوده و در واقع تبدیل به میدانی برای اعمال هژمونی شده است. نتایج نشان می‌دهد که این فرایند نتیجه همکاری و تعامل کنشگران اصلی است که اغلب از نهادهای دولتی و حاکمیتی تشکیل شده‌اند. این کنشگران بر اساس منافع مشترک خود، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، ائتلاف‌های موقتی ایجاد می‌کنند و با تغییر و تحول شبکه‌های رابطه‌ای خود، مسیرهای توسعه را بازتعریف می‌کنند. مدیریت شهری تهران (شورای شهر و شهرداری) نیز در این میان، با کم‌توجهی به نیازهای شهروندان، تنها نقش مجری را برای خواسته‌های صاحبان قدرت در این شبکه‌ها ایفا می‌کند. این مهم با یافته‌های مطالعات ماتیاس کورلهوم (۲۰۰۷)، ساک (۱۹۸۶) و ایروین آلمن (۱۹۷۵) که به دنبال درک ارتباط بین تولید فضا با نیازها و رفتارهای فردی، استراتژی‌ها، قوانین کنشگران هستند، کاملاً هم‌خوانی دارد.

از سویی دیگر، در شبکه کنشگرهای مورد نیاز برای تولید فضای شهری مطلوب و بهینه، شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری، گره‌های کانونی مهمی هستند. شهرسازی جدا از سیاست نیست و آنچه که در رابطه با سیاست و شرایط سیاسی کشور پیش‌بینی می‌شود، بر شهرسازی نیز تأثیرگذار خواهد بود؛ از این رو شهرسازان برای اقدام تأثیرگذار در تولید فضاهای شهری در چهارچوب محدودیت‌هایی شامل ترکیبی از منافع، هویت، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، ساختار سازمانی و ماهیت ارتباطات سازمانی، حرفه‌ای و شخصی قرار دارند و بیشتر در حد سیاست‌های روتین و از پیش کلیت‌یافته و تائیدشده اختیار عمل دارند؛ درحالی‌که باید سیاست‌ها به‌عنوان نتیجه و برآیندی از بازی قدرت یا «گفت‌وگوی آزاد قانون‌مدار» بین ذینفعان و کنشگران مختلف باشد. برای داشتن فضاهای شهری شهروند مدارتر، در کنار اصلاح ساختار مدیریت شهری و ایجاد یک دگرذیسی و

کوچک‌سازی در بدنه دولت متمرکز نیز در موازنه قدرت^۱ و به تعادل نسبی رسیدن سهم‌های قدرت^۲ بین کنشگران تولید فضای شهری باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

بهره‌گیری نظام حاکمیت از ایدئولوژی مذهبی و امر سیاسی در راستای تحقق اهداف و منافع خود، در عناصر و فضاهای شهری به‌ویژه در فضاهای منحصربه‌فردی نظیر عباس‌آباد، بازنمون کالبدی یافته است. به‌طور مثال، مصلی و یا باغ‌موزه دفاع مقدس و همچنین نام‌گذاری برگرفته از ریشه‌های مذهبی معابر، فضاها و ورودی‌ها در بخش‌هایی از اراضی عباس‌آباد نمود کالبدی اندیشه مذهبی در قالب ساختار رسمی حکومتی است.

آنچه نتایج این بررسی تأیید نمود روابط قدرت بین کنشگران در قلمرو سیاست‌گذاری مجموعه اراضی عباس‌آباد به‌هیچ‌وجه معطوف به شهروندان نیست. ارگانی مثل شهرداری تهران از جمله وظایف تعریف‌شده‌اش، اقدام در جهت تولید فضاهای شهری با لحاظ نمودن نیازهای شهروندان است، درحالی‌که صاحبان قدرت که بخش مطلوب اراضی را در مالکیت خود دارند تنها از مزایا و منافع آن بهره‌می‌برند بدون اینکه در راستای تولید فضای شهروندان، منشأ اثر مشخصی باشند. شهرداری تهران نسبت به تمام ارگان‌هایی که در این اراضی، زمین تحت مالکیت گرفته و حضور دارند، در عمل به‌نوعی مجری هست؛ از سوئی دیگر تأمین فضاهای شهری معطوف به شهروندان بر عهده شهرداری گذاشته شده است. لذا سؤال این خواهد بود که در این فراگشت چگونه می‌شود در جهت تولید فضاهای معطوف به شهروندان اقدام نماید. طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان مرتبط با نظام سیاست‌گذاری شهری، در همین وضعیت حال حاضر، اراضی عباس‌آباد به دلیل انواع پتانسیل‌های خود قادر است تا یک‌چهارم کل شهر تهران را تأمین مخارج کند ولی چندین برابر آن میزان را هنوز بودجه دریافت می‌کند! از آنجایی‌که هزینه اراضی عباس‌آباد با شهرداری تهران و سود و درآمدش برای کسانی دیگر است، عدم ایجاد درآمد پایدار و خودکفایی مالی منطقه ویژه گردشگری عباس‌آباد و عدم درآمدزایی مناسب از واگذاری برخی کاربری‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده است.

¹ power balance

² power ratio

با تأکید بر نظر یمین ژاوو (۲۰۱۷) در خصوص دولت، تأکید می‌شود که نسبت به اقدامات دولت در تولید فضا، نایستی کاملاً خوشبین و بدبین بود؛ چون دولت‌ها همواره در حال تغییر و دگرگونی توسط فرآیندهای اجتماعی هستند. تصمیم‌سازان (برنامه‌ریزان و کنش‌گران مدنی و ...) از طریق ایده‌های انتقادی و همچنین اقدامات سیاسی، باید برنامه‌ها و اقداماتی را ارائه و پیگیری نمایند که نقش و جایگاه شهروندان در تولید فضا به رسمیت شناخته شود و هسته اصلی، حضور و منافع جمعی باشد و نه گروه یا تفکر خاص؛ بنابراین شرایط، در راستای تعدیل توزیع قدرت بین کنشگران در تولید و بازتولید فضاهای شهری و به تعادل رساندن قدرت شهروندان در تأثیرگذاری بر آنچه در شهر و تولید و بازتولید فضاهای آن رخ می‌دهد، باید تغییر و تحولی در ساختار یعنی تغییر در شبکه کنشگرها ایجاد گردد.

منابع

- افراخته، حسن و حجتی‌پور، محمد. (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۱۴۸۷-۱۱۰
- افراخته، حسن. (۱۳۹۵). فضای سوم و پدیده فراملت در شهر - ناحیه‌های پسا استعماری. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۱۴-۲۶
- آقایی، پرویز؛ توکلی‌نیا، جمیله؛ کلانتری، محسن و فنی، زهره. (۱۳۹۸). تولید و بازتولید فضا در چرخه دوم انباشت سرمایه نقدی بر زندگی روزمره در فضای زیسته. نشریه باغ نظر، دوره شانزده، شماره ۸۰-۲۹-۴۰.
- برزگر، سپیده و حبیبی، میرا. (۱۳۹۹). کاوش ضرباهنگ زندگی روزانه در ساماندهی مصرف فضای شهری (مورد پژوهی: پیاده راه شهر رشت). دانش شهرسازی، دوره چهارم، شماره ۱-۴۹-۷۱.
- جابری، ابازر. (۱۳۹۱). کاربردهای نظریه کنشگر-شبکه (ANT) در پژوهش‌های انسان‌شناسی سازمان‌ها: مطالعه انسان‌شناختی شکل‌گیری شبکه و مناسبات کنشگران انسانی و غیرانسانی در سازمانی صنعتی-نفتی در عسلویه بوشهر، پایان‌نامه کارشناسی

- ارشد، به راهنمایی ابوعلی ودادهیر، مشاور جلال‌الدین رفیع فر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جمشیدی، مژده و حبیبی، میترا. (۱۳۹۹). تحلیل ضرباهنگ کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی و خوانش فضای عمومی شهری (مدل زمین‌های در پل خواجه‌ی اصفهان). *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره بیست و پنجم، شماره ۲.۴۳-۵۶.
- رهروی پوده، ساناز و حقیقی بروجنی، سمر. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر در چیدمان پلانی فضاهای خانه‌های تک حیاط شهر اصفهان (مطالعه موردی: خانه‌های ساخته شده قبل از ۱۳۰۰ هجری شمسی). *معماری اقلیم گرم و خشک*. ۹(۱۴): ۱۳۷-۱۵۸.
- ژیلینتس، آندژی (۱۳۹۹). *فضا و نظریه اجتماعی*، ترجمه: آیدین ترکمه، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شریف‌زاده، رحمان. (۱۳۹۵). *تکنولوژی، عاملیت و تصمیم، نشریه راهبرد فرهنگ*، ۹(۳۴): ۱۱۵-۱۳۶.
- شریف‌زاده، مریم؛ زمانی، غلامحسین؛ کرمی، عزت‌الله؛ ایمان، محمدتقی؛ خلیلی، داور. (۱۳۹۱). رویکرد نظریه شبکه کنشگران و کاربرد آن در بررسی سامانه اطلاعات اقلیمی کشاورزی. *فصلنامه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران*، ۲(۲۸).
- فارابی اصل، نیر؛ رفیعیان، مجتبی؛ خطیبی، سید محمدرضا. (۱۴۰۰). تبیین روابط قدرت کنشگران در تولید و بازتولید فضاهای شهری در اراضی عباس‌آباد شهر تهران. *مطالعات محیطی هفت حصار*. ۱۰(۳۷): ۹۹-۱۲۰.
- کاظمیان، غلامرضا؛ ضیایی، محمود؛ امیری، مقصود و مرادی، حسین. (۱۳۹۷). ارائه الگویی برای مدیریت مناطق پیراشهری کلان‌شهر تهران (مورد مطالعه منطقه ۲۲). *فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۲(۸): ۳۶۱-۳۷۸.
- وفائی، خسرو. (۱۳۹۳). توسعه سیاسی و سیاست مدرن: آسیب‌ها و چالش‌های توسعه سیاسی در ایران معاصر. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۰(۲۹): ۷۵-۹۰.
- هاروی، دیوید. (۱۹۸۵). *شهری شدن سرمایه*. ترجمه: عارف اقوامی مقدم. تهران: نشر دات.

- هاروی، دیوید. (۱۹۹۰). وضعیت پسامدرنیته: تحقیق در خاستگاه‌های تحول فرهنگی. ترجمه: عارف اقوامی مقدم. تهران: نشر پژوها
- هیلیر. جین. (۱۳۸۸). سایه‌های قدرت (حکایت دوراندیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی)، ترجمه کمال پولادی، ناشر جامعه مهندسان مشاور ایران.
- هاشمیان، سید محمدحسین و انواری، محمدرضا. (۱۳۹۷). دلالت‌های نظریه کنشگر شبکه در سیاست‌گذاری فرهنگی: تعامل تکنولوژی و انسان در سیاست‌گذاری، دین و سیاست فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱۰.
- یزدانیان، احمد؛ داداش‌پور، هاشم. (۱۳۹۵). مسئله حضور در فضا: آگاهی و عاملیت فضایی، با تأکید بر فضای عمومی شهری. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. (۷(۲۸)، ۷۳-۹۱.
- یوسفی، علی؛ ارغان، عباس و کامیابی، سعید. (۱۳۹۷). سرمایه‌داری مستغلات و تحولات فضا در ناحیه پیرامونی شاهد شهر. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره ۶۷. ۳-۸.
- Barter, N. Bebbington, J. (2013). "Actor-Network Theory: A Briefing Note and Possibilities for Social and Environmental Accounting Research", Social and Environmental Accountability Journal.
- Bidandi, F; Williams, J. (2020). "Understanding urban land, politics, and planning: A critical appraisal of Kampala's urban sprawl, Cities 106 (2020) 102858, journal home page.
- Buckley, K., Cooke, S., & Fayad, S. (2015). "Using the historic urban landscape to reimagine ballarat. In S. Labadi, & W. Logan (Eds.), Urban heritage, development and sustainability (1st ed., pp. 93-113). Routledge.
- Callon, M. (1986). "Some elements of a sociology of translation. In J. Law (ed) Power, Action, Belief: A New Sociology of Knowledge? London: RKP.
- Cressman, D. (2009). "A Brief Overview of Actor-Network Theory: Punctualization, Heterogeneous Engineering & Translation", ACT Lab/Centre for Policy Research on Science & Technology (CPROST), School of Communication, Simon Fraser University.

- Cybriwsky, Roman. (1999). "Changing patterns of urban public space: Observations and assessments from the Tokyo and New York metropolitan areas. *Cities*,16(4):223-231
- Cox, K. (1998). Spaces of dependence, spaces of engagement and the politics of scale,or: looking for local politics. *Polit. Geogr.* 17 (1):1-23.
- 20.Elwood, S. Ghose, R. (2001). "PPGIS in community development planning: framing the organizational context. *Cartographica* 38 (3/4): 19-33.
- Ghose, R. (2007). "Politics of scale and networks of association in public participation GIS. *Environ. Plan. A* 39 (8): 1961-1980.
- Ghose, R. Pettygrove, Margaret. (2014). "Actors and networks in urban community garden development. *Geoforum*, 53 (2014): 93-103.
- Harvey, David. (2009). *Cosmopolitanism and the Geographies of Freedom*. New York: Columbia University Press.
- Harvey, D. (1973). *Social justice and the city*. London: Edward Arnold
- Hall, P. (2002). "Cities of tomorrow: An intellectual history of urban planning and design in the twentieth century. Oxford: Blackwell Publishing.
- Hunter, A., Staggenborg, S. (1988). "Local communities and organized action, in C. Milofsky (ed) *Community Organizations*, Oxford University Press.
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New York: Random House.
- Kuymulu, M. B. (2014). "Claiming the right to the city-Towards the production of space from below. A dissertation submitted to the Graduate Faculty in Anthropology in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Advisors: Professor David Harvey and Professor Neil Smith. The City University of New York.
- Kärholm, Mattias. (2007). "The Materiality of Territorial Production: A Conceptual Discussion of Territoriality, Materiality, and the Everyday Life of Public Space. Lund University. First Published November 1, 2007 Research Article. <https://doi.org/10.1177/1206331207304356>.

- Latour, B. (1992). One more turn after the social turn...in M. McMullin (ed.) *The Social Dimension of Space*, Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.
- Lefebvre, Henri. (1991). "The production of space. Translated by Donald Nicholson Smith. Oxford: Blackwell.
- Lefebvre, Henri. (2003). "Space and the State." In *State/Space: a reader*, edited by Neil Brenner, Bob Jessop, Martin Jones and MacLeod Gordon, 84-100. Oxford: Blackwell.
- Nicholls, W. (2009). "Place, networks, space: theorising the geographies of social movements. *Trans. Inst. Brit. Geogr.* 34 (1): 78–93.
- Li, Ji., Krishnamurthy, S., Pereira R. A., Wesemael, P. (2020). "Informing or consulting? Exploring community participation within urban heritage management in China. *Habitat International* 105 (2020) 102268. Contents lists available at ScienceDirect. journal homepage: <http://www.elsevier.com/locate/habitatint>
- Milgrom, Richard. (2003). "Sustaining Diversity: A Participatory Design and the Production of Urban Space". A dissertation submitted to the Faculty of Graduate Studies in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy Graduate Programme in Environmental Studies, York University, Toronto, Ontario.
- Rezvani Naraghi, A. (2016). "From Mosques and Coffehouses to Squares and Cafés: the Production and Transformation of Political Public Spaces and Social Life in Modern Tehran. *Thses and Dissertations*.
- Routledge, P. (2003). "Convergence space: process geographies of grassroots globalization networks. *Trans. Inst. Brit. Geogr.* 28 (3): 333–349.
- Scott, A. J. 2013. "The urban land nexus and the state. London: Routledge.
- Smith, C. Kurtz, H. (2003). "Community gardens and politics of scale in New York City. *Geogr. Rev.* 93 (2): 193–212.
- Swyngedouw, E; Moulaert, F.; Rodriguez, A.(2002). *Neoliberal Urbanization in Europe: Large-Scale Urban Development Projects and the New Urban Policy*.
- Tovaes, Charles. (2003). *Race and the Production of Public Space*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the

- requirements for the degree of Doctor of Philosophy, University of Washington.
- Tatnall, A. (2003). "Actor-network theory as a socio-technical approach to information systems research. In *Socio-technical and human cognition elements of information systems*. S. Clarke, E. Coakes, M. G. Hunter, and A. Wenn (Eds.), 266-283. Hershey, PA: Information Science Publishing.
 - Wang, L, Xiao, Sh. (2020). "Tourism space reconstruction of a world heritage site based on actor network theory: A case study of the Shibing Karst of the South China Karst World Heritage Site. *International Journal of Geoheritage and Parks* 8 (2020): 140 –151.
 - Williams, J. J. (2000). "South Africa: Urban transformation. *Cities*, 17(3): 167 –183.
 - Williams, J. J. (2006). "Community participation: Lessons from South Africa. *Policy Studies*, 27(3): 197 –216.
 - Williams, K. R. (2018). *Making space, making history: cultural work, heritage and the production of space at Southbank Centre*. (Unpublished Doctoral thesis, City, University of London).
 - Yim, K. (2009). "Actor Network Theory", CS260—Human Centered Computing.
 - Zhao, Y. (2017). "The Hegemony of Urbanisation - Questioning the Production of Space by the State in Beijing's Green Belts. A thesis submitted to the Department of Geography and Environment at the London School of Economics and Political Science for the degree of Doctor of Philosophy, London.
 - Soja W.E. (1996). "Third space: Journeys to Los Angeles and other Real and Imagined paces. Blackwell Publisher
 - Balaban, O. (2010). *Capital accumulation, the state and the production of built environment, the case of Turkey*. Doctoral dissertation, Graduate School of Natural and Applied Sciences, Middle East Technical University
 - Das, R. J. (2009). *International Encyclopedia of Human Geography*. S.V. 'Capital and Space'
 - Halvorsen. S. (2017). "Spatial dialectics and the geography of social movements: the case of Occupy London. *Transactions of the Institute of British Geographers*. 42(3). 445-457.

- Apostol, L. (2007). "The production of public spaces design dialectics and pedagogy. Doctoral dissertation, University of Southern California.
- Arefin, sh. (2019). "The real estate and capital accumulation: an inquiry into Harvey`s model in Dhaka.

-

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Advances in Sociological Urban Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

